

## پیش بینی نشانگان رفتاری بر اساس هوش هیجانی در نوجوانان بزهکار

علی اکبر حدادی کوهسار<sup>۱\*</sup>، باقر غباری بناب<sup>۲</sup>

(۱) دانشجوی دکتری روانشناسی سلامت، دانشگاه خوارزمی

(۲) استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

\*نویسنده مسول: yamola280@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله ۹۴/۶/۱۹ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۴/۷/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله ۹۴/۸/۱۵

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر پیش بینی نشانگان رفتاری بر اساس هوش هیجانی در نوجوانان بزهکار می‌باشد. بدین منظور تعداد ۸۸ نفر از نوجوانان بزهکار شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. مقیاس هوش هیجانی (سالوی و همکاران، ۱۹۹۵) و چک لیست نشانگان رفتاری (دراگوئیس و همکاران، ۱۹۷۳) بر روی آنان اجرا گردید. تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه نشان داد که نشانگان رفتاری بزهکاران را می‌توان از روی هوش هیجانی آنان پیش‌بینی کرد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد، نوجوانان بزهکاری که هوش هیجانی بالاتری داشتند از نشانگان رفتاری (حساسیت بین شخصی، روان پریشی و شکایت جسمانی) کمتری برخوردار بودند، ولی بزهکارانی که هوش هیجانی پایین تری داشتند از نشانگان رفتاری بیشتری برخوردار بودند، تلویحات نظری و کاربردهای عملی یافته‌ها در اصل مقاله شده است.

کلید واژگان: هوش هیجانی، نشانگان رفتاری، نوجوانان بزهکار

### مقدمه

توانایی های هیجانی، عاطفی، شخصی و اجتماعی در پیش بینی توانائی خود برای موفقیت و سازگاری در زندگی اهمیت دارند. نگاهی به تعاریف متعدد هوش هیجانی<sup>۱</sup> دو خط نظری کلی را در این زمینه نشان می‌دهد: دیدگاه اول، مدل توانایی هوش هیجانی که آن را به عنوان نوعی از هوش تعریف می‌کند که هیجان و عاطفه را نیز در بر می‌گیرد. از این دیدگاه، هوش هیجانی جدیدترین تحول در زمینه فهم ارتباط میان تفکر و هیجان است. این اصطلاح اولین بار از سوی سالوی و مایر<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) پیشنهاد شد. بر طبق مدل توانایی<sup>۳</sup>، هوش هیجانی به عنوان یک توانائی، عبارتست از ظرفیت ادراک، ابراز، شناخت، کاربرد و اداره هیجانهای خود و دیگران (مایر و سالوی، ۱۹۹۷). مایر و سالوی معتقدند گر چه بعضی اوقات در کاربرد عملی لازمست که هوش هیجانی به عنوان یک سازه واحد

بسیاری از پژوهشگران در مطالعه هوش یا توانایی های انسان عمدتاً بر مؤلفه های شناختی و کاربرد انطباقی آن توجه داشته اند (پیاژه، ۱۹۵۰، وکسلر، ۱۹۵۸). در حالیکه ابعاد غیرشناختی، یعنی توانایی های هیجانی و عاطفی نیز به تنها پذیرفتنی بلکه ضروری هم هستند (چرنیس، ۲۰۰۰). بتدریج دیدگاههای مبتنی بر هوشبهر جای خود را به مطالعه سایر توانائی های مؤثر در عملکرد انسان دادند، برای مثال ثراندایک (۱۹۲۰) رفتار هوشمندانه را شامل هوش عینی (مهارتهای ساختن و بکاربردن ابزار و وسایل)، هوش انتزاعی (توانایی کاربرد کلمات، اعداد و اصول علمی) و هوش اجتماعی (شناخت افراد و توانایی عمل خلاقانه در روابط انسانی) می دانست. وکسلر (۱۹۴۳) پیشنهاد می کند که جنبه های غیرشناختی هوش نظیر

و پیچیده‌ای عجین شده است و توانایی مقابله با این استرس‌ها زمینه حفظ و تامین سلامت روانی، جسمی و هیجانی شخص را تامین می‌کند و ناتوانی در تنظیم هیجان‌ها زمینه بروز بیماری‌های متعدد روانی و جسمی را فراهم می‌کند، به این ترتیب روش‌های ارتقاء هوش هیجانی را نوعی عامل مهم در شکل‌گیری سلامت روانشناختی و جسمی افراد می‌توان محسوب کرد. افزون بر این کرسینی<sup>۴</sup> (۱۹۹۹) سلامت روانی<sup>۵</sup> را حالت ذهنی، همراه با سلامت هیجانی نسبتاً رها شده از نشانه‌های اضطراب و ناتوانی در برقراری روابط سازنده، مقابله با خواسته‌ها و محرک‌های تنش‌زای زندگی می‌داند. نتایج برخی از پژوهش‌های موجود در این حیطه نشان داده‌اند که سازه هوش هیجانی با مولفه‌های سلامت روانشناختی و جسمانی (دلوازی و همکاران، ۲۰۰۳؛ تسا سیس و نیکلا، ۲۰۰۵)، سلامت عمومی، بهزیستی، خودکنترلی، هیجان‌پذیری، توانایی اجتماعی و سبک‌های شوخی (گریون و همکاران، ۲۰۰۸)، عواطف مثبت و منفی (رُد و همکاران، ۲۰۰۸)، نشانگان جسمانی، زندگی معمولی (تامسون و همکاران، ۲۰۰۷)، سبک‌های مقابله هیجان‌مدار و عقلانی و مرکز کنترل درونی (سالکو فسکی و همکاران، ۲۰۰۷)، اضطراب و افسردگی (فرناندیز- بروکال و همکاران، ۲۰۰۶)، سلامت روانی و جسمانی (شوت و همکاران، ۲۰۰۷)، سرزندگی، سلامت عمومی و کنش اجتماعی (اکستری مرا و فرناندیز- بروکال، ۲۰۰۶)، حمایت اجتماعی و سلامت روانی (مانتیز- برجس و آگوستو، ۲۰۰۷)، سلامت روانی و اختلال‌های روانشناختی (لین و شوارتز، ۱۹۸۷)، سازش اجتماعی و هیجانی (سالوی، مایر و کارسو، ۲۰۰۲)، موفقیت زندگی (بار-ان، ۲۰۰۱؛ گلنن، ۱۹۹۵)، رضایت از زندگی و بهزیستی (مارتینز-پنز، ۱۹۹۷؛ پالمر و همکاران، ۲۰۰۲)، روابط درون فردی (فیتنس، ۲۰۰۱؛ فلوری و آیکس، ۲۰۰۱)، سلامت روانشناختی، افسردگی، ناامیدی، خودکشی و

محسوب گردد، لیکن این مدل از چهار توانایی اصلی تشکیل شده است: ۱- ادراک و بیان هیجان شامل بازشناسی و وارد نمودن اطلاعات کلامی و غیر کلامی در سیستم هیجانی؛ ۲- تسهیل تفکر بوسیله هیجان، یعنی به کارگیری هیجانها به عنوان بخشی از جریان شناختی مانند خلاقیت و حل مسأله؛ ۳- فهم هیجان، شامل پردازش شناختی هیجان و معلومات بدست آمده در مورد احساسات خود یا دیگران؛ ۴- مدیریت هیجان یعنی اداره هیجانها در خود و افراد دیگر (مایر و سالوی، ۱۹۹۷).

دیدگاه دوم، دیدگاه ترکیبی<sup>۱</sup> که هوش هیجانی را با ویژگی‌های شخصیتی نظیر انگیزش و ... ترکیب می‌کند. بر طبق مدل ترکیبی، هوش هیجانی مجموعه‌ای از قابلیت‌ها و مهارت‌هایی است که فرد را برای سازگاری موثر با محیط و کسب موفقیت در زندگی تجهیز می‌کند (بار - آن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰). برخی از پژوهشگران معتقداند هوش هیجانی شامل برخی از متغیرهای شخصیتی که با شاخص‌های بین موقعیتی رفتار نظیر همدلی، جرأت ورزی و خوش بینی ارتباط دارد (بارآن، ۱۹۹۷؛ گلنن، ۱۹۹۵). مدل ترکیبی هوش هیجانی از پنج مؤلفه تشکیل شده است: ۱- مهارت‌های درون فردی ۲- مهارت‌های بین فردی ۳- سازگاری ۴- کنترل استرس و ۵- خلق عمومی (بار - آن، ۲۰۰۰). در هر یک از این ابعاد مهارت‌های ویژه‌ای وجود دارد که به هوش هیجانی بر می‌گردند. و گلنن<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) زندگی روانی انسان را ناشی از تعامل دو کارکرد عقلانی- هیجانی می‌داند. از آنجا که مؤلفه‌های اساسی هوش هیجانی، توانایی فهم هیجانها خود و دیگران و توانایی تنظیم هیجانها و مهار خود و دیگران به شیوه سازگارانه می‌باشد، انتظار می‌رود افرادی که دارای هوش هیجانی بالاتری هستند سازگاری و مهارت‌های اجتماعی بهتری را نشان بدهند. با توجه به نقش و اهمیت هوش هیجانی در زندگی خصوصی و بین فردی مطالعات عدیده بیانگر اینست که زندگی بشر، امروزه با تنیدگیهای متعدد

4. Corsini  
5. Mental Health

1. Mixed Model  
2. Bar-on  
3. Golman

در دسترس و در دامنه سنی ۱۸-۱۳ سال انتخاب شدند. ابزارهای زیر در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفتند: (۱) **مقیاس رگه فرا خلقی (TMMS)؛ سالوی و همکاران، (۱۹۹۵):** این مقیاس بر اساس چهار چوب اولیه مدل نظری هوش هیجانی سالوی و مایر (۱۹۹۰) برای ارزیابی تجربه های فرا خلقی ساخته شده و به عنوان یک شاخص برای سنجش هوش هیجانی خود-ادراکی به کار می رود، این مقیاس شامل ۳۰ ماده و دارای سه مؤلفه (توجه به احساسات، شفاف سازی احساسات، بازسازی خلق) است. و به صورت درجه بندی لیکرتی است. ضریب آلفای کرونباخ که نشان دهنده همسانی درونی است برای مؤلفه توجه به احساسات ۰/۸۶، شفاف سازی احساسات ۰/۸۸، و بازسازی خلق ۰/۸۲ است.

(۲) **چک لیست نشانگان رفتاری (SCL-90-R)؛ دراگوتیس و همکاران، (۱۹۷۳):** در این پژوهش از مقیاس های حساسیت بین شخصی، روان پریشی و شکایت جسمانی استفاده شده است. و بترتیب دارای ۹، ۱۰ و ۱۲ سؤال است که آزمودنی در یک مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از ۰ تا ۴ (از هیچ تا خیلی زیاد) میزان ناراحتی خود را گزارش می دهد. ضریب همسانی درونی مقیاس های این چک لیست بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۰ گزارش شده است.

برای تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

استرس زندگی (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۲)، سلامت عمومی، استرس و عملکرد شغلی و درماندگی روانشناختی (اسلاسکی و کارت رایت، ۲۰۰۲)، افسردگی (دادا وهارت، ۲۰۰۰)، حوادث و پیامدهای زندگی (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱)، سبک های دفاعی انطباقی (پلیتری، ۲۰۰۲)، همدلی، مهارت های اجتماعی، ارتباط با دیگران، رضایت زناشویی (شوت و همکاران، ۲۰۰۱)، روابط گرم، صمیمی و احترام آمیز والدین (مایر و همکاران، ۱۹۹۹)؛ روابط مثبت با دوستان (براکت و همکاران، ۲۰۰۴)، حمایت اجتماعی والدین (لپس و همکاران، ۲۰۰۳)؛ سلامت روانی، جسمانی و افسردگی (دیویس و هومپ هری، ۲۰۱۲، ۲۰۱۲)، وان داسل دورپ، وان میچل و درک سن (۲۰۱۱)؛ لی چان (۲۰۱۰) و آلکساندرا، نلسون و استلی (۲۰۱۰) رابطه دارد. نظر به اینکه پژوهش های انجام شده در حیطه هوش هیجانی در بافت مذهب مسیحی انجام شده است که با فرهنگ اسلامی ایران متفاوت است. لذا هدف اصلی پژوهش حاضر پیش بینی نشانگان رفتاری (حساسیت بین شخصی، روان پریشی و شکایت جسمانی) بر اساس هوش هیجانی در نوجوانان بزهکار شهر تهران می باشد.

## روش پژوهش

طرح پژوهش از نوع همبستگی است. تعداد ۸۸ نفر از نوجوانان بزهکار شهر تهران با استفاده از روش نمونه گیری

## یافته ها

جدول ۱. ضرایب همبستگی هوش هیجانی با نشانگان رفتاری در نوجوانان بزهکار

متغیرها	<u>M</u>	<u>SD</u>	۱	۲	۳	۴	۵
۱- شکایت جسمانی	۱۴/۵۷	۱۰/۶۷	-				
چک لیست نشانگان رفتاری SCL 90-R	۱۲/۸۹	۷/۸۳	۰/۸۳**	-			
۲- حساسیت بین شخصی	۱۲/۶۴	۷/۸۹	۰/۷۶**	۰/۷۶**	-		
۳- روان پریشی	۳۸/۶۴	۶/۵۴	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۸	-	
۴- توجه به احساسات	۳۳/۲۱	۶/۸۲	۰/۰۱	۰/۱۱	۰/۰۲	۰/۲۵*	-
۵- شفاف سازی احساسات	۱۸/۷۷	۳/۸۳	۰/۳۷*	۰/۴۱*	۰/۲۷*	۰/۲۹*	۰/۱۶
۶- باز سازی خلق							

P < 01/0 \* P < 05/0 \*\*

## 2. Behavioral Symptoms Checklist

## 1. Trait Meta-Mood Scale

جدول ۲. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش بینی نشانگان رفتاری بر اساس هوش هیجانی در نوجوانان بزهکار

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	R	R <sup>2</sup>	F	P	B	β	SEB
شکایت جسمانی	باز سازی خلق	۰/۳۲	۰/۱۰	۵/۱۰	۰/۰۰۵	-۰/۸۸*	-۰/۳۲	۰/۰۲۹
حساسیت بین شخصی	باز سازی خلق	۰/۴۰	۰/۱۶	۸/۳۶	۰/۰۰۵	-۰/۹۰*	-۰/۴۰	۰/۰۳۱
روان پریشی	باز سازی خلق	۰/۳۲	۰/۱۰	۵/۰۳	۰/۰۰۵	-۰/۶۴*	-۰/۳۲	۰/۰۲۹

P < 01/0 \* P < 05/0 \*\*

همکاران، ۲۰۰۸؛ شوت و همکاران، ۲۰۰۷؛ دلواویز و همکاران، ۲۰۰۳؛ مانتیز-برجس و آگوستو، ۲۰۰۷؛ تسایسیس و نیکلا، ۲۰۰۵؛ لین و شوارتز، ۱۹۸۷؛ سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۲؛ اسلاسکی و کارت رایت، ۲۰۰۲؛ دادا و هارت، ۲۰۰۰؛ سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱؛ پارکر و همکاران، ۲۰۰۴؛ وان در زی و همکاران، ۲۰۰۲ و پتریدز و همکاران، ۲۰۰۴؛ دیویس و هومپ هری، ۲۰۱۱، ۲۰۱۱؛ وان داسل دورپ، وان میچل و درک سن، ۲۰۱۱؛ لی چان، ۲۰۱۰ و آلکساندرا، نلسون و استلی، ۲۰۱۰ همخوانی دارد. سیاروچی، چان، کاپوتی و روبرتس (۲۰۰۱) گزارش کرده‌اند، افرادی که هوش هیجانی بالاتری دارند، در مواجهه با استرس‌های زندگی از سازگاری و انطباق بیشتری برخوردار هستند و در نتیجه بیشتر به افسردگی، ناامیدی، مشکلات جسمانی و دیگر پیامدهای منفی زندگی مبتلا می‌شوند و بطور کلی هوش هیجانی با وقایع و پیامدهای زندگی ارتباط دارد و به افراد در فهم و پیش‌بینی جنبه‌های گوناگون روزمره کمک می‌کند. مایر و سالوی (۱۹۹۷) یکی از فواید مهم توانایی تنظیم هیجانات را بهبود هیجانات منفی و پرورش هیجانات خوشایند و مثبت می‌دانند. بنابراین افرادی که در تنظیم هیجانات خود مهارت دارند از توانایی بیشتری جهت جبران حالات هیجانی منفی از طریق شرکت در فعالیت‌های خوشایند دارند و توانش‌های هیجانی در تعدیل استرس و سلامت روان، نقش مهمی دارند. برخی اشکال هوش هیجانی فرد را از استرس مصون داشته و منجر به سازگاری بهتری می‌شود. برای مثال توانایی کنترل هیجان با گرایش به حفظ خلق مثبت ارتباط دارد و منجر به پیشگیری از مشکلات روانی و جسمانی می‌شود (سیاروچی و همکاران، ۲۰۰۱).

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ منعکس شده‌اند.

جدول ۱ نشان می‌دهد که مولفه باز سازی خلق در هوش هیجانی با نشانگان رفتاری (شکایت جسمانی، حساسیت بین شخصی و روان پریشی) همبستگی معناداری دارد. یعنی نوجوانان بزهکاری که هوش هیجانی بالاتری دارند از نشانگان رفتاری کمتری برخوردارند.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که تنها مولفه باز سازی خلق در هوش هیجانی قدرت تبیین کنندگی دارد. و بترتیب ۱۰، ۱۶ و ۱۰ درصد واریانس تغییرات در شکایت جسمانی، حساسیت بین شخصی و روان پریشی بر اساس بازسازی خلق در هوش هیجانی قابل تبیین است. نوجوانان بزهکاری که هوش هیجانی بیشتری داشتند، نشانگان رفتاری (شکایت جسمانی، حساسیت بین شخصی و روان پریشی) کمتری گزارش کردند.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که هوش هیجانی با نشانگان رفتاری (شکایت جسمانی، حساسیت بین شخصی و روان پریشی) در نوجوانان بزهکار همبستگی معناداری دارد. یعنی نوجوانان بزهکاری که هوش هیجانی بالاتری دارند از شکایت جسمانی، حساسیت بین شخصی و روان پریشی کمتری برخوردارند. و نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که تنها مولفه باز سازی خلق در هوش هیجانی قدرت تبیین کنندگی دارد. و بترتیب ۱۰، ۱۶ و ۱۰ درصد واریانس تغییرات در شکایت جسمانی، حساسیت بین شخصی و روان پریشی بر اساس مولفه بازسازی خلق در هوش هیجانی قابل تبیین است. این نتایج با یافته‌های مایر و سالوی، ۱۹۹۷؛ گریون و همکاران، ۲۰۰۸؛ رد و

نمونه ها با احتیاط عمل شود. ۲) از آزمونهای هوش هیجانی دیگری که هنجاریابی شده اند در جامعه بزهکار استفاده شود.

#### منابع

- Alexandra, M; Nelson, R & Estelle, M. (2010). A comprehensive meta-analysis of the relationship between emotional intelligence and mental health. *Personality and Individual Differences*, 49, 6, 554-564.
- Bar-On, P. (1997). *The emotional intelligence inventory (EQ-I): Technical manual*. Toronto, Canada: Multi-Health Systems.
- Bar-on, R(2000). *The handbook of emotional intelligence*. Tossey – Bass, wiley company, sanfrancisco
- Bar-On, R., & Parker, J. D. A. (2000). *The Bar-On Emotional Quotient Inventory: Youth Version (EQ-i:YV) Technical Manual*. Toronto, Canada: Multi-Health Systems, Inc.
- Bar-On, R., Brown, J.M., Kirkcaldy, B.D., & Thome, E.P.(2000). Emotional expression and implications for occupational stress; an application of the Emotional Quotient Inventory (EQ-i). *Personality and Individual Differences*, 28, 1107–1118.
- Bar-On,R.(2001). Emotional intelligence and self-actualization. In.Ciarrochi, J. P. Forgas, & J.D. Maye (Eds) *Emotional intelligence in every day life: A scientific inquiry* (pp. 82–97).Philadelphia ,PA:Psychology Press.
- Bar - on, R(2002), *The handbook of emotional intelligence*. Tossey – Bass, wileycompany,Sanfrancisco.
- Brackett,M.A; Mayer,J.D &Warner, R. m.(2004). Emotional intelligence and its relation to everyday behaviour. *Personality and Individual Differences*, 36, 1387-1402.
- Cherniss, cary (2000). *Emotional intelligence: whites and why it matters*. www.yahoo.com
- Ciarrochi, J., Chan, A. Y. C., Caputi, P., & Roberts, R. (2001). Measuring emotional intelligence. In C. Ciarrochi, J. P. Forgas, & J. D. Mayer (Eds.), *Emotional intelligence in everyday life: a scientific inquiry* (pp 25–45). Philadelphia, PA: Psychology Press.
- Ciarrochi, J., Deane, F., & Anderson, S. (2002). Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health.

تیین دیگر اینکه هوش هیجانی با دو گستره مهم خلق و خو یعنی عاطفه مثبت (احساس لذت، اشتیاق و علاقه‌مند) و عاطفه منفی (اضطراب، احساس خصومت، نارضایتی) نیز رابطه دارد. افراد با خلق منفی به علت ثبات تجربه هیجانی گرایش به چنین حالاتی دارند و ممکن است درک واقعی آنچه احساس می‌شود را با مشکل مواجه سازد، در حالیکه افراد با خلق مثبت، گرایش بیشتری به خوش‌بینی درباره توانایی‌هایشان دارند و خود را از لحاظ توانمندی هیجانی، مثبت ارزیابی می‌کنند و بنابراین افرادی که توانایی تشخیص، کنترل و استفاده از این توانش‌های هیجانی را دارند از حمایت اجتماعی، احساس رضایت‌مندی و سلامت روانی و جسمانی بیشتری برخوردار خواهند شد (سیف‌نوس و آپفل، ۱۹۷۹، به نقل از بار – آن، ۲۰۰۲). در بررسی دیگری مشخص شد که هوش هیجانی بالا ممکن است یک عامل حمایت‌کننده برای سلامت روانی و جسمی باشد (پارکر و همکاران، ۱۹۹۹). تس‌اسیس و نیکلا (۲۰۰۵) در بررسی ارتباط هوش هیجانی با سلامت روانشناختی و جسمانی به این نتیجه رسیدند که بین هوش هیجانی با سلامت روانشناختی و جسمانی رابطه وجود دارد و افرادی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردار بودند، سلامت روانشناختی و جسمانی بیشتری داشتند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که امروزه بسیاری از محققان معتقدند که اگر فرد از لحاظ هیجانی توانمند باشد بهتر می‌تواند با چالش‌های زندگی مقابله کند و توانش‌های هیجانی در تشخیص پاسخ‌های هیجانی مناسب در مواجهه با رویدادهای روزمره، گسترش دامنه بینش و ایجاد نگرش مثبت درباره وقایع و هیجان‌ات، نقش مؤثری دارند. و افراد از سلامت روانشناختی و جسمانی بیشتری برخوردار خواهند شد.

پژوهش حاضر مانند اکثر پژوهش‌هایی که در علوم رفتاری اجراء می‌گردد با محدودیت‌ها و پیشنهادهایی همراه بود که جهت انجام پژوهش‌های بعدی منطقی به نظر می‌رسد: (۱) نمونه پژوهش حاضر بزهکاران می‌باشند و دامنه سنی معینی را تشکیل می‌دهند، لذا برای تعمیم نتایج به دیگر

- Greven,C; Chamorro-Premuzic,T; Arteche,A& Furnham,A (2008). A hierarchical integration of dispositional determinants of general health in students: The Big Five, trait Emotional Intelligence and Humour Styles. *Personality and Individual Differences*, 44,7, 1562-1573
- Lane.R.D.,&Schwartz.G.E.(1987).Levels awareness: A cognitive developmental theory and its application to psychopathology. *American Journal of psychiatry*.144,133-143.
- Li-Chuan, C(2010). The benefits of meditation vis-à-vis emotional intelligence, perceived stress and negative mental health. *Stress & Health: Journal of the International Society for the Investigation of Stress*. 26, 2, 169 -180.
- Lopes, P.N; Salovey ,P & Straus, R.(2003). Emotional intelligence, personality, and the perceived quality of social relationships. *Personality and Individual Differences*.35, 641-658.
- Martinez-Pons, M. (1997). The relation of emotional intelligence with selected areas of personal functioning. *Imagination, Cognition and Personality*, 17, 3–13.
- Mayer, J. D., & Salovey, P. (1997). What is emotional intelligence: In P. Salovey, & D. Sluyter (Eds.). *Emotional development and emotional intelligence: Implications for educators* (pp. 3-31). New York: Basic Books
- Mayer, J. D; David R. Caruso, D.R & Salovey, P.(1999). Emotional intelligence meets traditional standards for intelligence. *Personality and Individual Differences*.27, 267-298.
- Montes-Berges.B & Augusto.J.-M.(2007). Exploring the relationship between perceived emotional intelligence, coping, social support and mental health in nursing students. *Journal of Psychiatric and Mental Health Nursing*.14.2.163-171.
- Palmer, B., Walls, M., Burgess, Z., & Stough, C. (2000). Emotional intelligence and effective leadership. *Leadership and Organization Development Journal*, 22, 5–11.
- Parker, j. D. A; Taylor, G, J & Bagby, R. M (1999). The relation ship between emotional intelligence and alexithymia. *Personality and individual differences*, 30, 107-115.
- Parker, J.D.A., Summerfeldt, L.J., Hogan, M.J., & Majeski, S.A. (2004). Emotional intelligence and academic success: Examining the transition from high school to university. *Personality and Individual Differences*, 32, 197–209.
- Corsini, R.J(1999). *The dictionary of psychology*. Publishing office: Brunner/Mazel
- Davis, S. K. & Humphrey, N. (2011). Emotional intelligence as a moderator of stressor–mental health relations in adolescence: Evidence for specificity. *Personality & Individual Differences*. 52, 1, 100-105.
- Davis, S. K. & Humphrey, N. (2011). Emotional intelligence predicts adolescent mental health beyond personality and cognitive ability. *Personality and Individual Differences*, 52, 2, 144-149 .
- Dawda,D&Hart,S.D(2000). Assessing emotional intelligence:reliability and validity of the Bar-On Emotional Quotient Inventory (EQ-i)in university students. *Personality and Individual Differences*, 28,797– 812.
- Derogatis, L.R., Lipman, R.S., & Covi, C. (1973). SCL- 90: An out patient psychiatric rating scale-preliminary report. *Psychopharmacology Bulletin*, 9, 13-27.
- Dulewicz, V., Higgs, M., & Slaski, M. (2003). Measuring emotional intelligence: content, construct, and criterionrelated validity. *Journal of Managerial Psychology*, 18, 405–420.
- Extremera.N.and Fernández-Berrocal.P.(2006).Emotional Intelligence as Predictor of Mental, Social, and Physical Health in University Students. *THE SPANISH JOURNAL OF PSYCHOLOGY*.9.1.45-51.
- Fernández-Berrocal,P. Alcaide,R.Extremera,N& Pizarro.D (2006). The Role of Emotional Intelligence in Anxiety and Depression among Adolescents. *Individual difference research* 4(1)16-27.
- Fitness, J. (2001). Emotional intelligence and intimate relationships. In J. Ciarrochi, J.P. Forgas, & J.D. Mayer (Eds). *Emotional intelligence in every day life: A scientific inquiry* (pp. 98–112). Philadelphia, PA: Psychology Press.
- Flury, J., & Ickes, W. (2001). Emotional intelligence and empathetic accuracy. In J. Ciarrochi, J.P. Forgas, & J.D. Mayer (Eds), *Emotional intelligence in every day life: A scientific inquiry* (pp. 113–132). Philadelphia, PA: Psychology Press.
- Golman, Daniel (1995). *Emotional intelligence what it can matter more than IQ*. New York: Bantam

- Slaski, M., & Cartwright, S. (2002). Health, performance and emotional intelligence: An exploratory study of retail managers. *Stress and Health*, 18, 63–68.
- Thompson, B.L.; Waltz, J; Croyle, K & Pepper, A.C. (2007). Trait meta-mood and affect as predictors of somatic symptoms and life satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 43, 7, 1786-1795.
- Thorndike, E.L. (1920). Intelligence and its uses. *Harper's Magazine*, 140, 227–235.
- Tsaousis, I., Nikolaou, I. (2005). Exploring the relationship of emotional intelligence with physical and psychological health functioning. *Stress and Health*, 21, 77–86.
- Van Dusseldorp, L; Van Meijel, K. G. & Derksen, B. J. L. (2011). Emotional intelligence of mental health nurses. *Journal of Clinical Nursing*, 20, 3/4, 555-562.
- Wechsler, D. (1943). No intellectual factors in general intelligence. *Journal of Abnormal Social Psychology*, 38, 100-104.
- Wechsler, D. (1958). *The measurement and appraisal of adult intelligence*. (4th ed.). Baltimore, MD: The Williams & Wilkins Company.
- Personality and Individual Differences, 36, 163–172.
- Pellitteri, J (2002) The relationship between emotional intelligence and ego defense mechanisms. *The journal of psychology*, 136 (2), 182-194.
- Pertrids, K.V; Frederickson, N & Furnham, A (2004) The role of trait emotional intelligence in academic performance and deviant behavior at school. *Personality and individual difference* 36, 277-293.
- Piaget, J. (1950). *The Psychology of Intelligence*. Routledge, London, England.
- Rode, J.C; Mooney, C.H; Arthaud-day, M.L; Near, J.P. Rubin, R.S; Baldwin, T.T & Bommer, W.H. (2008). An examination of the structural, discriminant, nomological, and incremental predictive validity of the MSCEIT© V2.0. *Intelligence*, 36, 4, 350-366.
- Saklofske, D.H, Elizabeth J. Austin, Galloway, J & Davidson, K (2007). Individual difference correlates of health-related behaviours: Preliminary evidence for links between emotional intelligence and coping. *Personality and Individual Differences*, 42, 3, 491-502.
- Salovey, P., & Mayer, J. D. (1990). Emotional intelligence. *Imagination, Cognition, and Personality*, 9, 185-211
- Salovey, P., Mayer, J.D., Goldman, S.L., Turvey, C., & Palfai, T.P. (1995). Emotional attention, clarity and repair: exploring emotional intelligence using the Trait Meta-Mood Scale. In J.W. Pennebaker (ed.): *Emotion, disclosure and health* (pp. 125-154). Washington, D.C.: American Psychological Association.
- Salovey, P., & Mayer, J.D & Caruso, D. (2002). The positive psychology of emotional intelligence. In C.R. Snyder & S.J. Lopez (Eds.) (2002). *The Handbook of Positive Psychology* (pp. 159-171). New York: Oxford University Press .
- Schutte, N. S, Malouff, J; Coston, J, Jedlicka, C & Wundorf, G (2001). Emotional intelligence and interpersonal relations. *The journal of social psychology*, 141 (4), 523-536.
- Schutte, N.S Malouff, J.M. Thorsteinsson, E. B., Bhullar, N and Rooke, S.E. (2007). A meta-analytic investigation of the relationship between emotional intelligence and health. *Personality and Individual Differences*. 42. 921-933.

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 6, No. 3, fall 2015, No 23



Journal of Educational  
Psychology

---

## Predict Behavioral Symptoms from Emotional Intelligence in Delinquent Adolescents

Ali Akbar Haddadi Kuhsar<sup>1\*</sup>, Bagher B. Ghobari<sup>2</sup>

1) Health Psychology, University of Kharazm

2) Professor, University of Tehran

\*Corresponding author: [yamola280@yahoo.com](mailto:yamola280@yahoo.com)

---

### Abstract

This study examined predicts behavioral symptoms from emotional intelligence in delinquent adolescents. In this study 88 from delinquent adolescents were voluntarily selected. They completed the measures of Trait Meta-Mood Scale (Salovey, Mayer, Goldman, Turvey, & Palfai, 1995), and Behavioral Symptoms Checklist90-R (Derogatis et al., 1973). Analysis of data with utilization of multiple regression analysis revealed that behavioral symptoms of delinquent adolescents can be predicted from the emotional intelligence. Moreover, data revealed that delinquent adolescents with higher in an emotional intelligence were lower in behavioral symptoms (interpersonal sensitivity, psychoticism and somatization). Theoretical implication and practical application of the finding are discussed in the original paper.

**Key words:** Emotional Intelligence, Behavioral Symptoms, Delinquent Adolescents

---